دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر
فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی فضای جغرافیایی

سال دوازدهم، شماره‌ی 40
زمستان 1391، صفحات 98-74

سیدهادی حسینی[1]
یعقوب زنگنه[2]

تحلیل تطبیقی مزیت‌های نسبی و نابرابری اشتغال در نقاط شهری خراسان رضوی و نقاط شهری کشور

تاریخ دریافت مقاله: 1390/01/26 تاریخ پذیرش مقاله: 1390/06/15

چکیده

هدف تحقیق بررسی تحلیلی تطبیقی مزیت‌های نسبی و نابرابری اشتغال میان نواحی شهری کل کشور و نواحی شهری استان خراسان رضوی است. در واقع سؤال اصلی این است که فعالیت‌های پایه‌ای و غیرپایه‌ای در بخش‌ها و زیر بخش‌های اقتصادی نواحی شهری کشور و خراسان کدامند؟ با توجه به شرایط جغرافیایی متفاوت مناطق، مزیت‌های نسبی آنها تا چه حد مشابه یا متفاوت از هم می‌باشند؟ رویکرد حاکم بر این تحقیق، رویکردی توصیفی- تحلیلی است و تاکید اصلی در گردآوری داده‌های تحقیق بر بهره‌گیری از روش‌های اسنادی بوده است. در بخش تحلیل اطلاعات نیز از مدل اقتصاد پایه، تکنیک ضریب مکانی و شاخص‌های نابرابری ویلیامسون و ضریب تغییرات استفاده گردید. یافته‌های حاصل از تحقیق بیانگر این است که بخش کشاورزی در 70 درصد نقاط شهری کشور و 82 درصد نقاط شهری خراسان رضوی دارای مزیت نسبی می‌باشد. در بخش صنعت نقاط شهری کشور نسبت به نقاط شهری خراسان رضوی از مزیت‌های نسبی بالاتری برخوردار بوده‌اند. اما در بخش خدمات نقاط شهری خراسان رضوی نسبت به نقاط شهری کل کشور از مزیت‌های نسبی بالاتری برخوردار بوده‌اند. در بخش فعالیت‌های نامشخص و اظهار نشده نقاط شهری خراسان رضوی نسبت به نقاط شهری کل کشور از مزیت نسبی بالاتری

1- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، مرکز پژوهشی جغرافیایی و اجتماعی، دانشگاه تربیت معلم سبزوار. E-mail: hhosseini59@yahoo.com
2- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا و علوم محیطی، دانشگاه تربیت معلم سبزوار.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

برخوردار بوده است. غلبه فعالیت‌های این بخش، نشان از عدم توانایی بخش‌های رسمی فعالیت برای جذب شاغلان دارد که باعث می‌گردد این شاغلان به ناچار جذب فعالیت‌های نامشخص، غیررسمی و حتی بزهکارانه و غیرقانونی شوند. تحلیل نابرابری اشتغال نشان داد که اولاً مقدار کلی نابرابری در میان مناطق شهری کل کشور نسبت به نقاط شهری خراسان رضوی بسیار بیشتر می‌باشد. ثانیاً روند نابرابری‌ها در بین دو دهه 75-85 در نقاط شهری کشور و استان، نه تنها کاهش نیافته است، بلکه این روند بیشتر نیز گردیده است.

کلید واژه‌ها: اشتغال، مزیت نسبی، نابرابری اشتغال، نقاط شهری، خراسان رضوی، ایران.

مقدمه

از اولین گام‌های مربوط به برنامه‌ریزی توسعه مناطق، شناخت درونی و کالبد شکافی وضعیت موجود اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی است (صباغ کرمانی، 1377: 65). هدف عمده انجام مطالعات اقتصادی، آگاهی از ترکیب اقتصادی، ارزیابی حیات اقتصادی و پیش بینی وضعیت آینده اقتصاد محلی است تا از آن طریق بتوان زمینه رشد و توسعه منطقه را پیش‌بینی کرده و تبلور فضایی کالبدی آن را در شکل مناسب به تجسم درآورد (تودارو، 1370: 248). گرچه امروزه توجه به سیاست‌های کلان در امر سیاست‌گذاری منطقه‌ای به عنوان یک اصل کلی پذیرفته شده است، اما این بدان معنی نیست که آنچه در سطح ملی مناسب است، برای تمامی مناطق نیز مفید واقع می‌شود. عدم توجه به همین نکته یعنی نادیده گرفتن استعدادها، توانایی‌ها و مزیت‌های نسبی هر منطقه در زمینه فعالیت‌های اقتصادی باعث گردیده که سرمایه‌گذاری‌ها متناسب با امکانات و ظرفیت‌های بالقوه مناطق صورت نگیرد و با وجود اجرای برنامه‌های متعدد توسعه در سطح ملی، همچنان روند توسعه‌نیافتگی و نابرابری در بین مناطق تداوم یابد (سبحانی، 1384: 163).

در این میان، شهرها نقش محوری ویژه‌ای در تاریخ توسعه اقتصادی دارند و رشد آنها پیوستگی عمیقی با توسعه اقتصادی دارد (شورت، 1381: 9). شهرها امروزه به موتور محرک اقتصاد ملی برای بدست آوردن جایگاه بهتر در اقتصاد جهانی تبدیل شده‌اند و الگوها و تحولات عمده اقتصادی ملی و جهانی از شهرها نشأت می‌گیرند (پورزندی، 1388: 2). در این اقتصاد جهانی شده که سرمایه را به هویتی بسیار هوشمند، سیال و بدون مرز تبدیل کرده است، ارتقای رقابت‌پذیری شهری، افزون بر سیاست‌های تسهیل سرمایه‌گذاری با مفاهیمی مانند کیفیت مکان، کیفیت زندگی شهری و زیست‌پذیری شهری ارتباط وسیعی یافته است (هاشمی، 1388: 3). فرایند جهانی شدن تأثیر چشم‌گیری بر ساختار فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال برجای گذارده و همچنین بر نقش و اهمیت شهرها بویژه کلان‌شهرها به مثابه نیروی محرکه توسعه اقتصادی اجتماعی در مقیاس ملی و منطقه‌ای افزوده است. توسعه اقتصادی موزون، وابسته به توسعه پایدار سکونتگاه‌های شهری است و این امر در صورتی تحقق می‌یابد که شهر بتواند از لحاظ اقتصادی مولد و از حیث اجتماعی فراگیر باشد (جواهری‌پور، 1381: 127) و این امر نیز در گرو شناخت

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

فرصت‌ها و مزیت‌های اقتصادی شهرها و دستیابی به چشم‌اندازی روشن و مورد توافق از آینده اقتصادی آن از سوی ذینفعان و بازیگران کلیدی است. شهرهایی در عرصه جدید می‌توانند موفق باشند که مزیت‌های رقابتی خود را به درستی بشناسند، تغییرات اقتصادی شهر را رصد کنند و انعطاف پذیری لازم را برای پاسخ دهی سریع به آن داشته باشند.

متأسفانه در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران به واسطه فقدان سطوح مختلف برنامه‌ریزی‌های فضایی و آمایشی و بالاخص نبود سیستم مدیریت یکپارچه شهری، مباحث مربوط به اقتصاد شهری و نقش شهرها در رشد و توسعه منطقه‌ای و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای مغفول مانده است. مشکل اساسی اقتصاد شهری این است که زمانی که بحث مدیریت شهری مطرح می‌گردد، در واقع هدف بیشتر موضوع مالیه شهری است و نه اقتصاد شهری (صفایی، 1382: 19). از سوی دیگر در طرح‌های جامع شهری نیز مشاورین تهیه کننده طرح، عمدتاً توجه خود را بر ابعاد فضایی و کالبدی متمرکز ساخته و بحث اقتصاد شهر و تعیین چشم‌انداز آتی توسعه اقتصادی شهر و بهره‌گیری از مزیت‌های رقابتی شهرها چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. با شناخت تغییر و تحولات اقتصادی شهرها، شناسایی امکانات، پتانسیل‌ها و موانع و تهدیدهای بالقوه شهر در سطوح ملی، منطقه‌ای و حتی جهانی، خواهیم توانست با دقت و کارایی بیشتری به برنامه‌ریزی برای آنها بپردازیم.

اشتغال از جمله متغیرهایی مهمی است که از سیاست‌های مختلف رشد و توسعه منطقه‌ای متأثر می‌گردد. وجود نابرابری در بین شهرها و نواحی مختلف عمدتاً ریشه در عدم شناخت واقعی از سیاست‌های متخذه در مناطق و ارزیابی تأثیر آنها بر متغیرهای مختلف اقتصادی از جمله اشتغال بوده است (صباغ‌کرمانی، 1377 : 64). تجزیه و تحلیل بحث اشتغال در شهرهای مختلف می‌تواند به شناخت فعالیت‌های که در آن شهر به منزله موتور رشد اقتصادی هستند، کمک نموده و زمینه را برای توسعه اشتغال‌زایی و کاهش نرخ بیکاری فراهم سازد. از سوی دیگر فراهم سازی فرصت‌های شغلی برای نیروی کار در حال رشد کشور به صورت حادترین موضوع پیش‌روی سیاست‌گذاران ایران قرار دارد. طی دهه‌های 1350 و 1360 ایران شاهد نرخ رشد جمعیتی بالای 3 درصد بود. هر چند این نرخ رشد در دهه 1370 و 1380 به متوسط 1/5 درصد کاهش یافت، اما نیروی محرکه افزایش جمعیت، ناشی از رشد دهه‌های گذشته بر فشار خود به بالا رفتن عرضه نیروی کار ادامه داده است. بر اساس بررسی‌های مرکز آمار نرخ بیکاری در کل کشور در زمستان سال 1388 برابر با 14/2 درصد و در خراسان رضوی برابر با 14/4 درصد بوده است. این ارقام برای نقاط شهری کل کشور و خراسان رضوی به ترتیب برابر با 15/3 و 15/9 درصد بوده است که حاکی از جدی‌تر بودن مشکل بیکاری در استان خراسان رضوی نسبت به کل کشور و همچنین نقاط شهری نسبت به کل کشور است. پرواضح است که کاهش بیکاری، مستلزم شناسایی و رتبه بندی بخش‌های کلیدی مناطق مختلف کشور است. در این میان شهرها به واسطه آن که بیش از دو سوم جمعیت کشور را در خود اسکان داده‌اند، به عنوان نیروی محرکه توسعه اقتصادی کشور، که بخش عمده‌ای از تولید ناخالص داخلی کشور در آنها

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

تولید می‌شود[3]، به عنوان ویترین و مکان تجلی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی حاکمیت و به عنوان مقصد نهایی تعداد بی‌شماری از مهاجرین روستایی و با توجه به چالش جهانی شهری شدن فقر، بایستی در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی کشور مورد توجه خاص قرار گیرند. در جهت بهره‌گیری بهتر از امکانات و پتانسیل‌های بالقوه مناطق و افزایش توان رقابتی آنها در عرصه داخلی و خارجی، ضروری است در گام نخست بخش‌های اقتصادی شهر به درستی شناسایی شده و مورد تحلیل قرار گیرند. در گام دوم بخش‌های کلیدی که در پهنه شهر یا منطقه شهری دارای مزیت‌های نسبی هستند، شناسایی گردند و در گام سوم بایستی برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی شهر را بر اساس این مزیت‌ها استوار ساخت. اساساً در کلیه بررسی‌های جغرافیایی و به خصوص جغرافیای اقتصادی سه محور اساسی عبارت هستند از «چه چیزی»، «چگونه» و «کجا». هدف اصلی این نوشتار نیز بر این اساس استوار گردیده است. هدف این تحقیق بررسی تحلیلیـ تطبیقی مزیت‌های نسبی و نابرابری اشتغال میان نواحی شهری کل کشور و نواحی شهری استان خراسان رضوی است. در واقع هدف، بررسی محور «کجایی» اشتغال در نواحی شهری کشور و استان خراسان رضوی است تا دریابیم که اولاً کدام بخش‌ها یا زیر بخش‌های اقتصادی در نواحی شهری ایران از مزیت‌های نسبی بیشتری برخوردارند و ثانیاً دریابیم که بین نواحی شهری استان خراسان رضوی[4]، نواحی شهری استان‌های کشور و نواحی شهری کل کشور چه تفاوت‌هایی وجود دارد. در واقع سؤال اصلی این است که فعالیت‌های پایه‌ای و غیرپایه‌ای در بخش‌ها و زیربخش‌های اقتصادی نواحی شهری کشور و خراسان رضوی کدامند؟ با توجه به شرایط جغرافیایی متفاوت مناطق، مزیت‌های نسبی آنها تا چه حد مشابه یا متفاوت از هم می‌باشند؟ آیا سیاست‌های مربوط به توسعه اقتصادی و به خصوص اشتغال‌زایی در سال‌های اخیر منجر به کاهش نابرابری‌ها در مناطق شهری می‌شود؟

مروری بر پیشینه تحقیق

کاربرد مدل اقتصاد پایه از پیشینه زیادی برخوردار است، به گونه‌ای که نورس اولین کسی بود که نقش فعالیت‌های مربوط به بخش پایه را در ارتباط با رشد منطقه‌ای به رسمیت شناخت (North,1955). اهمیت فعالیت‌های پایه توسط آبرتز نیز مورد تاکید قرار گرفته است، به‌طوری‌که وی اظهار می‌دارد «به نظر می‌رسد تقاضا بیشترین نقش را در مورد تغییر موقعیت‌های نسبی مناطق و افزایش دستمزد حقیقی در مناطق مختلف ایفا می‌کند» (Aborts,1960). همچنین هارتمن و سکلر[5] نیز الگوی اقتصاد پایه را برای تفسیر روند رشد منطقه‌ای در چهارچوب سنتی اقتصاد کلان کینزی جای دادند. در این چهارچوب آنها اظهار داشتند که مسیر رشد اقتصاد منطقه‌ای از دو جزء تشکیل شده است. یکی

3- به عنوان نمونه حدود 25 درصد تولید ناخالص داخلی کشور در استان تهران تولید می‌شود که قطعاً در این بین نقش شهر تهران و به خصوص منطقه مادرشهری تهران چشمگیر می‌باشد.

4- در این تحقیق هرجا سخن از نقاط شهری خراسان رضوی است، منظور نقاط شهری بالای 10 هزار نفر استان بر مبنای سرشماری 1385 کل کشور می‌باشد.

5- Hartmann & Sklr

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

مسیر رشد مستقل و دیگری مسیر رشد درونزا و خودکار؛ که مسیر مستقل رشد به فرایندهای ناشی از فعالیت‌های صادراتی نسبت داده می‌شود. آنها اظهار می‌دارند که در حالی که رشد درونزای امری ممکن است، اما نمی‌توان آن را با پارامترهای دقیق ساختاری نشان داد و این امر منجر به این نتیجه‌گیری از جانب آنان شد که رشد منطقه‌ای قبل از هر چیزی در توسعه فعالیت‌های پایه صادراتی رقم می‌خورد، به همین دلیل رشد نامتوازن اقتصاد منطقه‌ای در چهارچوب الگوی اقتصاد پایه منطقه‌ای به نابرابری موجودی منابع در مناطق مختلف نسبت داده می‌شود، این اختلاف‌ها به مناطق خاصی امکان می‌دهد که به تولید کالاهایی مخصوص که تقاضای خارجی به تولید آنها اهمیت می‌دهد، اقدام و مزیت نسبی پیدا کنند (سبحانی، 1384: 162).

از جمله مطالعات در خصوص روش اقتصاد پایه، مطالعه‌ای است که هینوزا و ریوس[6] در ارتباط با کشور پاناما انجام داده‌اند. هدف اصلی این مقاله بررسی مسائل و محدودیت‌های کاربرد روش ضریب مکانی در کشورهای در حال توسعه بوده است. بررسی‌ها نشان دادند که 16 بخش صنعتی از 62 بخشِ موجود در ایالت دارای مزیت‌های نسبی به صورت پایه شناسایی گردیدند. حدود 82 درصد از شغل‌های پایه‌ای مربوط به بخش کشاورزی بودند و دومین بخش مهم نیز بخش صنایع قوطی‌سازی و صنایع بسته بندی محصولات کشاورزی معرفی گردیده است. تعداد اشتغال در بخش پایه صادراتی در اکثر بخش‌های دیگر بسیار کم رقم خورده است. ضریب پایه (کل بخش صادرات) نیز حدود 4/94 تخمین زده شده است. با توجه به مشکلاتی که در تهیه آمارهای منطقه‌ای وجود داشته است، این مطالعه از دو روش مختلف برای محاسبه ضریب مکانی استفاده کرده است. روش اول همان فرمول رایج ضریب مکانی می‌باشد که از آمار خام اشتغال به تفکیک صنایع استفاده می‌نماید. روش دوم؛ تعدیل ضریب نسبت مکانی از طریق وارد کردن ضرایبی نظیر کارایی، مصرف و خالص صادراتی می‌باشد که مشکل اصلی آن عدم امکان جمع آوری آمارهای مربوط به محاسبه این ضرایب به خصوص در کشورهای در حال توسعه بیان شده است (Hinojosa,1991 در صباغ کرمانی، 1380: 70).

از مطالعاتی که در خصوص اقتصاد پایه در ایران انجام شده است نیز می‌توان به مطالعه‌ای تحت عنوان «تمرکز نسبی اشتغال در فعالیت‌های صنعتی استان‌های کشور (کاربرد مدل اقتصاد پایه)» اشاره نمود. هدف از انجام این تحقیق، شناسایی فعالیت‌های صنعتی بوده است که می‌توانند به عنوان موتور رشد استان‌های نمونه کشور عمل نمایند. نتایج حاکی از این هستند که بین سال‌های 1371-1375 در استان آذربایجان شرقی تنها صنایع نساجی و پوشاک نقش پایه‌ای داشته‌اند. در استان تهران بخش‌های پایه عبارت بودند از صنایع چوب و محصولات چوبی. در استان خوزستان صنایع پایه عبارتند از صنایع کاغذ و محصولات کاغذی، صنایع شیمیایی، صنایع فلزات اساسی و صنایع متفرقه. در استان زنجان این صنایع عبارت بوده‌اند از صنایع غذایی، صنایع شیمیایی، صنایع کانی غیر فلزی و صنایع ماشین آلات. در استان گیلان صنایع غذایی، صنایع چوبی و محصولات چوبی، صنایع کاغذ و محصولات کاغذی و صنایع متفرقه جزء بخش‌های پایه بوده‌اند. در استان اصفهان پنج زیربخش صنایع نساجی و پوشاک، صنایع چوبی،

6- Hinojosa & Rios

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

صنایع کانی غیرفلزی و صنایع فلزات اساسی دارای مزیت نسبی بوده‌اند. در استان مرکزی تنها سه زیر بخش صنایع شیمیایی، صنایع تولید فلزات اساسی و صنایع ماشین آلات و تجهیزات دارای مزیت نسبی بوده‌اند و در نهایت در استان یزد صنایع پایه عبارت بودند از صنایع نساجی، پوشاک و صنایع کانی غیرفلزی (صباغ‌کرمانی، 1377: 63-85).
در بررسی دیگری تحت عنوان «بررسی نقش شهرهای میانی در توسعهٔ منطقه‌ای؛ مطالعه موردی شهر بروجرد»، موحد و همکارانش با استفاده از مدل اقتصاد پایه نشان دادند که بروجرد به عنوان دومین شهر منطقه با ارائه کارکردهای صنعتی، خدماتی و کشاورزی در بهبود شرایط اقتصادی کل منطقه تأثیرگذار است و به عنوان یک شهر میانی در منطقه، به واسطه تعاملات و جریان متقابل با حوزه‌های کوچک‌تر پیرامون خود، می‌تواند در استمرار و پویایی اقتصادی (تأثیر خرد نقشی) آنها موثر باشد (موحد و همکاران، 1388: 125).

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر به لحاظ هدف، تحقیقی کارکردی است. رویکرد حاکم بر آن، رویکردی توصیفی- تحلیلی است. در جهت پاسخگویی به پرسش تحقیق و نیل به اهداف تعیین شده، تاکید اصلی بر بهره‌گیری از روش‌های اسنادی (داده‌های ثانویه) می‌باشد. در بخش مبانی نظری تحقیق از مطالعات کتابخانه‌ای و در بخش عملی نیز از آمارهای مربوط به سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های 1375 و 1385 نقاط شهری کل کشور استفاده گردید. در بخش تحلیل مزیت‌های نسبی مناطق از مدل اقتصاد پایه و به‌طور خاص تکنیک ضریب مکانی و همچنین در جهت تحلیل میزان نابرابری اشتغال از شاخص نابرابری ویلیامسون و شاخص ضریب تغییرات استفاده گردید.

2-3- مدل اقتصاد پایه

تحلیل اقتصاد پایه، ابزاری رایج در میان اقتصاددانان توسعه برای فهم اقتصاد محلی است. این ابزار ساده ولی ارزشمند می‌تواند در بدست آوردن درکی درست از ساختار اقتصادی جوامع مورد استفاده قرار گیرد. این ابزار می‌تواند داده‌ها و اطلاعات تطبیقی ارزشمندی را در ارتباط با موقعیت اقتصادی یک منطقه در طول زمان و در مقایسه با دیگر مناطق به توجه به روندهای اشتغال و درآمد فراهم کند (Rupasingha,2009). این مدل عمدتاً برای متغیر درآمد مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما از آنجائیکه آمارهای مربوط به درآمد به خصوص در کشورهای جهان سوم به تفکیک بخش‌های مختلف اقتصادی در دسترس نمی‌باشد و یا در صورت وجود، از قابلیت اعتماد بالایی برخوردار نیستند، در بخش عمده‌ای از مطالعات به جای آمار درآمد بخش‌ها، از آمارهای مربوط به تعداد شاغلان آنها استفاده گردیده است. چرا که آمار مربوط به اشتغال نسبت به سایر متغیرها در دسترس‌تر و قابل اعتمادتر می‌باشد و هم اینکه درآمد تابعی از اشتغال می‌باشد، پس می‌توان به جای درآمد از آمار اشتغال استفاده نمود.
به طور کلی می‌توان تولید ناخالص منطقه‌ای (GRP) در اقتصاد کلان یک منطقه را به مجموعه‌ای از مصرف (C)، سرمایه‌گذاری (I)، هزینه‌های دولتی (G) و خالص صادرات (Ex-Im)، تجزیه کرد.

$$GRP = C + I + G + Ex - \mathrm{Im} \qquad (1)$$

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

نظریه اقتصاد پایه در میان متغیرهای رابطهٔ فوق بر صادرات به عنوان تنها متغیری که مقدار آن نسبت به دیگر متغیرها، تعیین کنندهٔ رشد منطقه است، تاکید دارد و آن را به عنوان تنها محرک رشد اقتصاد منطقه‌ای به رسمیت می‌شناسد (سبحانی، 1384: 162). در این نظریه ابتدا اقتصاد منطقه به دو بخش پایه (Basic) و غیر پایه (Non Basic) تقسیم می‌شود. بخش پایه شامل تمام فعالیت‌هایی است که بازار نهایی آن در خارج از منطقه قرار دارد و منجر به صادرات کالا و خدمات به خارج از منطقه می‌شود و در مقابل بخش غیرپایه شامل تمامی کالاها و خدمات و فعالیت‌هایی است که بازار نهایی آن در داخل منطقه قرار دارد و برای مصرف داخلی تولید می‌شود. پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که حجم کل فعالیت‌های اقتصادی یک منطقه (خواه درآمد و خواه اشتغال) تابعی از مجموع فعالیت‌های بخش پایه و بخش غیرپایه است. به عبارتی می‌توان چنین نوشت:

$$Y = \beta + non\ \beta \qquad \textbf{(2)}$$

در این نظریه تاکید بر آن است که بخش صادراتی زمینه‌ساز اصلی رشد و توسعهٔ منطقه‌ای است، هر چند که افزایش فعالیت‌های اقتصادی در بخش پایه، بدون شک موجب افزایش کل رشد اشتغال و در نتیجه بخش‌های غیرپایه نیز خواهد شد. پس با توجه به اینکه بخش غیرپایه به نحوی خدمات خود را در اختیار بخش پایه قرار می‌دهد، بنابراین می‌توان گفت رابطه ذیل بین بخش پایه و غیر پایه برقرار است که در آن d یک ضریب ثابت می‌باشد.

$$Non\ \beta = d\beta \qquad (3)$$

پس بر این اساس از جایگزینی رابطه (3) در رابطه (2) خواهیم داشت:

$$Y = \beta + d\beta \Rightarrow Y = (1+d)\beta \qquad (4)$$

ضریب (1 + d) اثر فزایندگی بخش پایه را نشان می‌دهد و نشان دهنده آن است که اشتغال اضافی ایجاد شده در بخش صادراتی منجر به افزایش کل اشتغال به میزان (1 + d) خواهد شد و بنابراین (1 + d) ضریب اشتغال بخش صادراتی پایه نامیده می‌شود. همچنین نسبت اقتصاد پایه یا همان d که در واقع نسبت اشتغال غیرپایه به اشتغال پایه است را می‌توان از رابطهٔ زیر (5) بدست آورد. نسبت اقتصاد پایه در واقع نشان دهندهٔ این است که به ازای ایجاد یک شغل در بخش پایه، به میزان d شغل در بخش غیرپایه ایجاد خواهد شد، اما ضریب اشتغال پایه (1 + d) نشان دهنده این است که به ازای ایجاد یک شغل در بخش پایه به میزان 1 + d شغل در کل اقتصاد ایجاد خواهد شد.

$$d = \frac{Non\ \beta}{\beta} \qquad (5)$$

یکی از مشکلات اساسی روش اقتصاد پایه، نحوهٔ تشخیص بخش‌های پایه و غیر پایه می‌باشد. اصولاً دو راه برای تخمین و تشخیص بخش‌های پایه و غیرپایه وجود دارد. روش اول، شناسایی بخش‌های پایه از طریق آمارگیری می‌باشد که این روش در عمل به علت هزینه زیاد اجرایی آن بسیار کم مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این روش ابتدا باید تعیین کرد که چقدر از تولید در یک فعالیت خاص در منطقه وابسته به تقاضای خارجی و چه میزان وابسته به

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

تقاضای داخلی است. به عبارتی با تعیین سهم و ارزش تولیدات هر فعالیت اقتصادی برای خارج منطقه، پایه‌ای یا غیرپایه‌ای بودن آن فعالیت را تعیین می‌کنیم (سبحانی، 1384: 165). روش دوم، روش برآورد غیرمستقیم با استفاده از آمار و اطلاعات موجود می‌باشد که در این ارتباط مرسوم‌ترین روش، استفاده از تکنیک نسبت مکانی (Location Quotient) است. در این تکنیک، عمدتاً از متغیر اشتغال استفاده شده و فعالیت‌های مختلف هر منطقه را با هر درجه‌ای از جزئی‌شدن می‌توان با مرجع بزرگ‌تری مقایسه کرد (Norcliffe,1983 and Gibson et al,1981 در صباغ کرمانی، 1377: 69). در صورتی که مقدار نسبت مکانی بیشتر از یک باشد، آن فعالیت پایه‌ای است و اگر مقدار کمتر از یک باشد، فعالیت غیرپایه‌ای است و در صورتی که مقدار نسبت مکانی برابر با یک باشد، خودکفا تفسیر می‌شود. رابطه نسبت مکانی به شرح زیر می‌باشد[7].

$$Location.Quotient\left(L.Q\right)=\frac{e_i/\sum e_i}{E_i/\sum E_i} \qquad (6)$$

بعد از محاسبهٔ نسبت مکانی می‌توان از رابطه ذیل (7) برای پیش‌بینی میزان اشتغالی از بخش که به تولید صادراتی اختصاص دارد، استفاده کرد. بعد از محاسبه بخش پایه، اشتغال بخش غیرپایه از رابطه (8) قابل محاسبه می‌باشد

$$EX = e_i\left(1-\left(1/L.Q_i\right)\right) \qquad \textbf{(7)}$$

$$Non\beta E_i = TE_i - \beta E \qquad \textbf{(8)}$$

یافته‌ها و بحث

در جهت تحلیل بهتر یافته‌های تحقیق، سعی گردید تحلیل مزیت نسبی بخش‌های سه‌گانه اصلی اقتصاد (کشاورزی، خدمات و صنعت) به علاوه بخش مربوط به فعالیت‌های نامشخص به تفکیک و به صورت تطبیقی میان نقاط شهری کل کشور و نقاط شهری استان خراسان رضوی ارائه گردد. گفتنی است که برای بررسی مزیت‌های نسبی و میزان پایه‌ای بودن بخش‌های اقتصادی در نقاط شهری استان‌های کشور، نقاط شهری کل کشور به عنوان اقتصاد مرجع مبنا قرار گرفت و برای شهرهای خراسان رضوی نیز نقاط شهری استان خراسان رضوی به عنوان اقتصاد مرجع مبنا قرار گرفتند. جداول شماره 1 و 2 نتایج حاصل از تحلیل مزیت‌های نسبی در محدوده‌های مورد مطالعه را نشان می‌دهند.

1- بخش کشاورزی

الف) نقاط شهری کل کشور- یافته‌های حاصل از تحقیق حاکی از این هستند که بخش عمده‌ای از نقاط شهری کل کشور در بخش کشاورزی دارای مزیت نسبی بوده و از ضریب اقتصاد پایه‌ای بالاتر از یک برخوردار هستند و در این میان تنها استان‌هایی چون آذربایجان شرقی، تهران، خوزستان، سیستان و بلوچستان، قم، کردستان، کرمانشاه و کهکیلویه و بویراحمد در بخش کشاورزی دارای مزیت نسبی نیستند. بالاترین ضرایب در این بخش مربوط به استان‌هایی خراسان جنوبی (2/7) و خراسان شمالی (2/23) بوده و پایین‌ترین ضرایب نیز مربوط به استان‌هایی یزد،

7 - برای آگاهی بیشتر ر.ک منبع شماره 4 و 8 .

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

خراسان رضوی و ایلام می‌باشد. استان‌های آذربایجان شرقی، کردستان، گیلان و لرستان جزء مناطق خودکفا می‌باشند.

اگر شیلات را نیز به عنوان زیرمجموعه بخش کشاورزی مدنظر قرار دهیم، خواهیم دید که در این بخش استان‌های شمالی و جنوبی ایران دارای بیشترین ضرایب پایه هستند. استان‌هایی چون بوشهر، خوزستان، سیستان و بلوچستان، گلستان، گیلان، مازندران و هرمزگان دارای ضرایبی بالاتر از یک بوده و بنابراین برخوردار از مزیت نسبی هستند. بالاترین ضریب مربوط به بوشهر با مقدار 12/9 و پایین‌ترین ضریب مربوط به مازندران با مقدار 1/5 می‌باشد.

ب) نقاط شهری خراسان رضوی- در این استان به جز شهرهای مشهد، سبزوار و خواف، سایر شهرهای بالای 10 هزار نفر استان در بخش کشاورزی دارای مزیت نسبی بوده‌اند. بالاترین ضرایب در این بخش مربوط به شهرهایی چون فیض آباد (6/97) و چناران (3/42) بوده و پایین‌ترین ضرایب نیز مربوط به شهرهای نیشابور و گناباد (1/25) می‌باشد. در بخش شیلات نیز هیچ کدام از شهرهای استان دارای مزیت نسبی نبوده‌اند که با توجه به وضعیت جغرافیایی و اقلیمی استان، از ابتدا نیز بدیهی به نظر می‌رسید.

2- بخش صنعت

الف) نقاط شهری کل کشور- در بخش صنعت، یافته‌های تحقیق بیانگر این نکته هستند که نزدیک به نیمی از استان‌های کشور در این بخش دارای مزیت نسبی هستند. استان‌هایی چون آذربایجان شرقی، اصفهان، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان رضوی، خوزستان، زنجان، سمنان، قزوین، قم، مرکزی و یزد در این گروه قرار می‌گیرند. نکته شایان توجه این است که تفاوت ضرایب میان بالاترین و پایین‌ترین در این گروه بسیار ناچیز می‌باشد و از ضریب اقتصاد پایه 1/02 برای استان خوزستان تا ضریب 1/31 برای استان یزد در نوسان است. از سوی دیگر استان‌هایی چون خوزستان (1/02)، سمنان (1/03)، خراسان رضوی (1/03) و چهار محال و بختیاری (1/08) را عملاً می‌توان به عنوان استان‌های خودکفا دانست و نه دارای مزیت نسبی در بخش صنعت.

در این بخش، زیربخش‌های تأمین آب، برق و گاز و ساختمان بیشترین فراوانی را به لحاظ تعداد استان‌های دارای مزیت نسبی به خود اختصاص داده‌اند. در این زیربخش‌ها به ترتیب 80 درصد و 76/7 درصد استان‌ها دارای مزیت نسبی بوده‌اند. میانگین ضرایب استان‌های کشور در این دو زیر بخش به ترتیب 1/11 و 1/12 می‌باشد. هر چند به لحاظ کمیت، تعداد زیادی از مناطق شهری در این زیربخش‌ها دارای مزیت نسبی هستند، اما این مزیت نسبی آنقدر قابل توجه نیست که بتوان بر روی آن تکیه کرد. مقادیر عمده ضرایب در زیربخش تأمین آب، ... مابین 1/00 تا 1/3 می‌باشد و تنها استان‌های خوزستان (2/1) و کهکیلویه و بویراحمد و هرمزگان (1/7) ضرایبی بالاتر داشته‌اند. در بخش ساختمان نیز مقادیر همه ضرایب بین 1/0 تا 1/4 متغیر می‌باشد.

در زیربخش استخراج معدن، 23/3 درصد از استان‌های کشور دارای مزیت نسبی بوده‌اند که شامل استان‌های بوشهر، خوزستان، زنجان، سمنان، کرمان، کهکیلویه و بویراحمد و یزد می‌شود. بالاترین ضریب مربوط به استان‌های

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

کهکیلویه و بویراحمد و خوزستان با مقادیر 7/8 و 6/1 و پایین‌ترین ضریب مربوط به استان زنجان با مقدار 1/6 می‌باشد.

در زیربخش صنعت و ساخت 26/7 درصد از استان‌های کشور دارای مزیت نسبی بوده‌اند که شامل استان‌های آذربایجان شرقی، اصفهان، تهران، خراسان رضوی، زنجان، سمنان، قزوین، قم، مرکزی و یزد می‌باشد. در این زیربخش بالاترین و پایین‌ترین ضرایب مربوط به استان‌های قزوین (1/5) و تهران و زنجان (1/2) می‌باشد.

ب) نقاط شهری خراسان رضوی- در بخش صنعت تنها چهار شهر بالای 10 هزار نفر استان دارای مزیت نسبی می‌باشند که بالاترین ضریب مربوط به شهر فریمان (1/22) می‌باشد. شهرهایی چون بجستان (1/08)، چناران (1/08)، و مشهد (1/07) را نیز عملاً باید به عنوان شهرهای خودکفا دانست و نه برخوردار از مزیت نسبی.

اگر مبنای بررسی‌ها را زیربخش‌های بخش صنعت متمرکز سازیم، خواهیم دید که نقاط شهری استان در زیربخش‌های ساختمان و استخراج معدن بیشترین مزیت نسبی را داشته‌اند. زیربخش ساختمان در 41/2 درصد و زیربخش استخراج معدن در 35/3 درصد شهرهای استان فعالیتی پایه‌ای بوده است. این نسبت‌ها برای زیربخش‌های تأمین آب، ... و صنعت و ساخت به ترتیب برابر با 17/6 و 11/8 درصد می‌باشد.

در زیربخش معدن شهرهای دارای مزیت نسبی عبارتند از بردسکن (1/3)، تربت حیدریه (1/5)، چناران (1/4)، سرخس (28/9)، گناباد (2/03) و نیشابور (1/9). در زیربخش صنعت و ساخت شهرهای دارای مزیت نسبی شامل دو شهر فریمان (1/4) و مشهد (1/1) می‌باشند. در زیربخش تأمین آب، برق و گاز سه شهر بجستان (5/5)، سرخس (1/3) و قوچان (1/1) دارای مزیت نسبی می‌باشند. در این زیربخش شهر مشهد جزء شهرهای خودکفا محسوب می‌شود. در زیربخش ساختمان نیز 7 شهر دارای مزیت نسبی بوده‌اند که بالاترین ضریب مربوط به شهر چناران (1/5) و کمترین ضریب مربوط به شهرهای فریمان و سبزوار (1/1) می‌باشد. در این زیربخش نیز شهر مشهد جزء شهرهای خودکفا بوده است. در شهر مشهد تنها زیربخش صنعت و ساخت جزء فعالیت‌های پایه‌ای بوده است که بدون شک منافع ناشی از صرفه‌جوئی‌های ناشی از مقیاس و تمرکز امکانات و خدمات و متخصصین و ... در این امر تأثیرگذار بوده است.

3- بخش خدمات

بر اساس تقسیم بندی مرکز آمار بخش خدمات دربرگیرنده 12 زیربخش می‌باشد. در این مقاله ابتدا بخش خدمات به عنوان یک بخش اصلی اقتصادی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و سپس زیربخش‌های اصلی بخش خدمات نیز به تفکیک مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

الف) نقاط شهری کل کشور- بررسی‌ها نشان می‌دهند که در این بخش از میان استان‌های کشور، نیمی از آنها از مزیت نسبی برخوردار می‌باشند. شاید بتوان مزیت نسبی این استان‌ها را به دو گروه مزیت نسبی قوی و ضعیف تقسیم کرد. استان‌هایی چون گیلان (1/11)، کهکیلویه و بویراحمد (1/10)، هرمزگان (1/21)، ایلام (1/12)، بوشهر

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

(1/12)، سیستان و بلوچستان (1/14) و کرمانشاه (1/13) به عنوان استان‌های دارای مزیت نسبی قوی و استان‌هایی چون آذربایجان غربی (1/02)، اردبیل (1/05)، تهران (1/05)، فارس (1/02)، کردستان (1/09)، گلستان (1/01)، لرستان (1/03) و مازندران (1/04) را به عنوان استان‌های دارای مزیت نسبی ضعیف دانست.

در زیربخش عمده‌فروشی، خرده‌فروشی و ... استان‌های آذربایجان غربی، گیلان و کردستان (1/2) و اردبیل، تهران، خراسان رضوی، کرمانشاه، مازندران و همدان (1/1) دارای مزیت نسبی هستند. استان‌های آذربایجان شرقی، سیستان و بلوچستان، فارس، گلستان، لرستان و هرمزگان جزء استان‌های خودکفا محسوب شده و در مابقی استان‌ها این زیربخش فعالیتی غیرپایه‌ای است. نکته قابل توجه اینجاست که در این زیربخش حتی استان تهران نیز به عنوان مرکز عمده فروشی و تجارت ایران ضریب پایه‌ای بهتر از 1/1 نداشته است.

در زیربخش هتل و رستوران استان‌های تهران، زنجان و قم (1/1)، مازندران و هرمزگان (1/2)، گیلان (1/3)، اردبیل و خراسان رضوی (1/4) دارای مزیت نسبی هستند. استان‌های آذربایجان غربی، بوشهر و همدان در این زیربخش خودکفا هستند و در سایر استان‌ها این فعالیت جزء فعالیت‌های پایه‌ای نمی‌باشد.

زیربخش حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات در 14 استان به عنوان فعالیتی غیرپایه‌ای می‌باشد. استان‌های آذربایجان غربی، اردبیل، تهران، خراسان شمالی، کرمان، لرستان، مازندران و همدان در این زیربخش خودکفا بوده و این زیربخش تنها در استان‌های گیلان، کردستان و خوزستان (1/1)، فارس (1/2)، بوشهر، سیستان و بلوچستان و کرمانشاه (1/3)، و هرمزگان (1/5) به عنوان فعالیتی پایه‌ای محسوب می‌گردد.

در زیربخش اداره امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی از بین استان‌های 30 گانه، 8 استان جزء استان‌های خودکفا محسوب می‌شوند. در مقابل در استان‌های برخوردار از مزیت نسبی در این زیربخش عبارت هستند از استان‌های کرمان (1/1)، لرستان و خوزستان (1/2)، سمنان (1/3)، خراسان جنوبی و کرمانشاه (1/4)، سیستان‌وبلوچستان (1/5)، کهکیلویه و بویراحمد (1/6)، ایلام و بوشهر (1/7)، و هرمزگان (1/9).

زیربخش آموزش در 66/7 درصد استان‌های کشور جزء فعالیت‌های پایه‌ای بوده است که قطعاً وجود تعداد زیادی محصل در مدارس و مقاطع مختلف، دانشگاه‌های دولتی، آزاد، پیام نور و مراکز غیرانتفاعیـ که در سالیان اخیر نیز رشد قابل ملاحظه‌ای داشته‌اندـ و گسترش اشتغال‌های مرتبط با این زیربخش دلیل این امر می‌باشد. مقادیر ضریب مکانی این زیربخش حتی در استان‌هایی که فعالیت پایه‌ای محسوب نمی‌شود، نیز چندان پایین نمی‌باشد. این استان‌ها شامل استان‌های آذربایجان شرقی (0/9)، اصفهان (0/9)، تهران (0/8)، مرکزی (0/9) و هرمزگان (0/9) می‌باشند. استان‌های آذربایجان غربی، بوشهر، خوزستان، قزوین و یزد به عنوان استان‌های خودکفا شناسایی شدند. بالاترین مقدار ضریب مکانی در این زیربخش مربوط به استان کهکیلویه و بویراحمد (1/9) می‌باشد.

در زیربخش بهداشت و مددکاری اجتماعی نیز تنها 9 استان کشور از مزیت نسبی برخوردار نبوده‌اند که شامل استان‌های آذربایجان شرقی (0/8)، آذربایجان غربی (0/8)، اصفهان (0/9)، بوشهر (0/9)، خراسان رضوی (0/9)، سیستان و بلوچستان (0/9)، قزوین (0/8)، قم (0/6) و مرکزی (0/9) می‌باشند. استان‌های تهران، خراسان شمالی،

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

خوزستان، کردستان، لرستان، هرمزگان و یزد در این زیربخش، استان‌های خودکفا بوده‌اند. سایر استان‌ها که دربرگیرنده 14 استان می‌باشد، به عنوان استان‌های دارای مزیت نسبی در این بخش شناسایی شده‌اند.

ب) نقاط شهری خراسان رضوی- در بخش خدمات در نقاط شهری خراسان رضوی از میان 17 شهر بالای 10 هزار نفر، 64/7 درصد شهرها دارای مزیت نسبی بوده‌اند. اگر بخواهیم آنها را به دو گروه شهرهای دارای مزیت نسبی قوی و ضعیف تفکیک نماییم، در گروه شهرهای با مزیت نسبی قوی، شهرهایی چون تربت جام و کاشمر (1/11)، قوچان (1/12) و خواف (1/13) قرار می‌گیرند و در گروه شهرهای با مزیت نسبی ضعیف شهرهایی چون نیشابور (1/01)، درگز (1/02)، تربت حیدریه و مشهد (1/03)، بردسکن (1/04)، گناباد (1/07) و سبزوار (1/08) قرار خواهند گرفت. شهر مشهد علیرغم نقش قابل توجه بخش خدمات و اشتغال بیش از 60 درصد شاغلان، نتوانسته است موقعیت مناسبی در بخش خدمات به خود اختصاص دهد.

در زیربخش عمده‌فروشی، خرده‌فروشی و ... تنها پنج شهر استان دارای مزیت نسبی بوده‌اند که شامل شهرهای تربت حیدریه، نیشابور و سبزوار (1/1)، مشهد (1/2) و بردسکن (1/3) می‌باشد. شهر تربت جام نیز در این زیربخش خودکفا می‌باشد.

زیربخش هتل و رستوران تنها در شهرهای مشهد (1/2) و کاشمر (1/1) به عنوان فعالیتی پایه‌ای محسوب می‌شود و در سایر شهرها این زیربخش فعالیتی غیرپایه‌ای است.

در زیربخش حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات 10 شهر دارای مزیت نسبی بوده‌اند که در این میان بالاترین ضریب مکانی مربوط به شهر گناباد (1/34) و تایباد (1/27) می‌باشد و کمترین ضریب مکانی نیز مربوط به شهرهای سرخس (1/01)، نیشابور و قوچان (1/02)، خواف و فریمان (1/06) می‌باشد.

در زیربخش اداره امور عمومی، دفاع و ... شهرهای بردسکن و فریمان (1/1)، گناباد (1/3)، تربت‌جام و تربت حیدریه (1/4)، درگز، سرخس و قوچان (1/5) و تایباد (1/8) دارای مزیت نسبی بوده‌اند و شهر کاشمر نیز در این زیربخش شهری خودکفا می‌باشد.

زیربخش آموزش در 82/4 درصد شهرهای استان جزء فعالیت‌های پایه‌ای بوده است. بالاترین ضریب پایه‌ای برای این زیربخش مربوط به شهرهای خواف (2/4) و کاشمر (2/0) و پایین‌ترین نیز مربوط به شهر سرخس (1/2) می‌باشد. شهرهای چناران (0/5)، تایباد و مشهد (0/9) در این زیربخش فاقد مزیت نسبی بوده‌اند.

در زیربخش بهداشت شهرهای تربت‌حیدریه و خواف (1/1)، بجستان و تربت جام (1/2)، گناباد (1/4)، درگز و قوچان (1/5) دارای مزیت نسبی بوده‌اند و شهرهای بردسکن، سرخس و کاشمر نیز جزء شهرهایی هستند که در این زیربخش خودکفا بوده‌اند.

4- فعالیت‌های نامشخص و اظهار نشده

الف) نقاط شهری کل کشور- بررسی‌ها حاکی از این است نزدیک به یک‌پنجم استان‌های کشور در این زیربخش دارای مزیت نسبی هستند که شامل استان‌های آذربایجان شرقی (1/92)، تهران (1/4)، خوزستان (1/28)، سیستان و

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

بلوچستان (1/28)، مرکزی (1/21) و هرمزگان (1/08) می‌باشد که در این میان استان آذربایجان شرقی با ضریب مکانی 1/92 دارای بیشترین امتیاز است

ب) نقاط شهری خراسان رضوی- در بررسی نقاط شهری خراسان رضوی مشخص گردید که در شهرهایی مانند تربت جام (1/48)، چناران (1/68)، درگز (3/83)، سرخس (2/49)، گناباد (3/32)، مشهد (1/01) و نیشابور (1/16) فعالیت‌های مربوط به این بخش دارای مزیت نسبی هستند و به ویژه مقدار ضریب مکانی برای شهرهایی چون درگز، سرخس و گناباد بسیار بالا می‌باشد.

جدول شماره 1- ضرایب مکانی برای نواحی شهری استان‌های کشور (اقتصاد مرجع: نواحی شهری کل کشور)

فعالیت / نام استان	کشاورزی	صنعت	خدمات	فعالیت‌های نامشخص و اظهار نشده
آذربایجان شرقی	0.96	1.16	0.87	1.92
آذربایجان غربی	1.66	0.88	1.02	0.95
اردبیل	1.27	0.91	1.05	0.55
اصفهان	1.31	1.27	0.84	0.60
ایلام	1.19	0.77	1.12	0.86
بوشهر	1.37	0.77	1.12	0.58
تهران	0.23	0.99	1.05	1.40
چهارمحال و بختیاری	1.80	1.08	0.91	0.55
خراسان جنوبی	2.55	0.82	1.00	0.51
خراسان رضوی	1.19	1.03	0.98	0.76
خراسان شمالی	2.16	0.92	0.97	0.42
خوزستان	0.87	1.02	0.99	1.28
زنجان	1.31	1.11	0.93	0.44
سمنان	1.75	1.03	0.94	0.59
سیستان و بلوچستان	0.83	0.76	1.14	1.28
فارس	1.65	0.88	1.02	0.90
قزوین	1.47	1.21	0.87	0.42
قم	0.75	1.29	0.87	0.66
کردستان	0.97	0.87	1.09	0.58
کرمان	2.00	0.91	0.97	0.84
کرمانشاه	0.90	0.80	1.13	0.73
کهگیلویه و بویراحمد	0.64	0.92	1.10	0.47
گلستان	2.24	0.84	1.01	0.47
گیلان	1.10	0.83	1.11	0.51
لرستان	1.00	0.96	1.03	0.82

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

فعالیت / نام استان	کشاورزی	صنعت	خدمات	فعالیت‌های نامشخص و اظهار نشده
مازندران	1.39	0.91	1.04	0.49
مرکزی	1.26	1.20	0.86	1.21
هرمزگان	1.08	0.61	1.21	1.08
همدان	1.52	0.93	1.00	0.94
یزد	1.07	1.31	0.84	0.42

جدول شماره 2- ضرایب مکانی برای شهرهای استان خراسان رضوی[8]

فعالیت / نام شهر	کشاورزی		صنعت		خدمات		فعالیت‌های نامشخص و اظهارنشده	
	KH	IR	KH	IR	KH	IR	KH	IR
بجستان	۱.۸	۲.۲	۱.۱	۱.۱	۰.۹	۰.۹	۰.۶	۰.۵
بردسکن	۲.۳	۲.۸	۰.۷	۰.۸	۱.۰	۱.۰	۰.۶	۰.۵
تایباد	۲.۴	۳.۰	۰.۸	۰.۸	۱.۰	۱.۰	۰.۸	۰.۶
تربت جام	۱.۴	۱.۸	۰.۸	۰.۹	۱.۰	۱.۰	۱.۵	۱.۱
تربت حیدریه	۱.۴	۱.۷	۰.۸	۰.۸	۱.۱	۱.۱	۰.۶	۰.۵
چناران	۳.۴	۴.۲	۱.۱	۱.۱	۰.۷	۰.۷	۱.۷	۱.۳
خواف	۰.۶	۰.۸	۰.۹	۰.۹	۱.۱	۱.۱	۰.۰	۰.۰
درگز	۱.۹	۲.۳	۰.۷	۰.۷	۱.۰	۱.۰	۳.۸	۲.۹
سرخس	۱.۴	۱.۸	۱.۰	۱.۰	۰.۹	۰.۹	۲.۵	۱.۹
فریمان	۱.۳	۱.۶	۱.۲	۱.۲	۰.۸	۰.۸	۱.۰	۰.۷
قوچان	۱.۵	۱.۸	۰.۷	۰.۸	۱.۱	۱.۱	۰.۵	۰.۴
کاشمر	۱.۷	۲.۱	۰.۸	۰.۸	۱.۱	۱.۱	۰.۲	۰.۲
گناباد	۱.۲	۱.۵	۰.۷	۰.۷	۱.۱	۱.۱	۳.۳	۲.۵
مشهد	۰.۳	۰.۴	۱.۱	۱.۱	۱.۰	۱.۰	۱.۰	۰.۸
نیشابور	۱.۳	۱.۵	۰.۹	۰.۹	۱.۰	۱.۰	۱.۲	۰.۹
سبزوار	۱.۰	۱.۲	۰.۹	۰.۹	۱.۱	۱.۱	۰.۵	۰.۴
فیض آباد	۷.۰	۸.۶	۰.۵	۰.۵	۰.۷	۰.۷	۰.۳	۰.۳

مآخذ جداول: محاسبات نگارنده

بررسی نسبت‌های پایه

نسبت اقتصاد پایه در واقع نشان دهندهٔ این است که به ازای ایجاد یک شغل در بخش پایه، چند شغل در بخش غیرپایه ایجاد خواهد شد. از بررسی نسبت‌های پایه در مناطق شهری کل کشور نکات ذیل را می‌توان دریافت.

۸- KH نشانگر اقتصاد مرجع نقاط شهری خراسان رضوی و IR نشانگر اقتصاد مرجع نقاط شهری کشور است.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

1- در مقایسه مناطق شهری کل کشور، بالاترین نسبت اقتصاد پایه برای کل اقتصاد مربوط به استان آذربایجان شرقی می‌باشد (2/43). به عبارت بهتر در مناطق شهری این استان، به ازای ایجاد یک شغل در بخش پایه، 2/43 شغل در بخش پایه ایجاد گشته است. بعد از این استان، به ترتیب استان‌های قزوین، خوزستان، گلستان و سمنان قرار دارند و کمترین نسبت اقتصاد پایه نیز مربوط به استان‌های کرمانشاه، سیستان و بلوچستان، کهکیلویه و بویراحمد و مازندران می‌باشد.

2- در بخش کشاورزی بالاترین نسبت پایه مربوط به استان‌های گیلان، سیستان و بلوچستان، خوزستان و بوشهر و پایین‌ترین نسبت پایه مربوط به استان‌های خراسان جنوبی، سمنان و قزوین می‌باشد.

3- در بخش صنعت بالاترین نسبت پایه مربوط به استان‌های خراسان جنوبی، گیلان، هرمزگان و سمنان می‌باشد و پایین‌ترین نسبت پایه مربوط به استان‌هایی چون اصفهان، یزد، قزوین، آذربایجان شرقی و قم است.

4- در بخش خدمات بالاترین نسبت پایه مربوط به استان‌های یزد، مرکزی، قم و زنجان می‌باشد و پایین‌ترین نسبت پایه مربوط به استان‌هایی چون هرمزگان، کرمانشاه، خراسان جنوبی و کردستان است.

5- در بخش مربوط به فعالیت‌های نامشخص و اظهارنشده، نسبت‌های پایه برای استان‌هایی چون تهران، خوزستان، سیستان، مرکزی، هرمزگان و آذربایجان شرقی بسیار بالا می‌باشد در حالیکه برای سایر استان‌ها این نسبت صفر می‌باشد. این امر گویای این واقعیت است که بخش فعالیت‌های نامشخص و اظهار نشده و یا به عبارتی فعالیت‌های غیررسمی و شاید غیرقانونی در این استان‌ها از اهمیت بسزایی در اقتصاد شهری برخوردار هستند.

6- برای استان خراسان رضوی بالاترین نسبت پایه مربوط به بخش‌های کشاورزی (9/10) و صنعت (3/83) می‌باشد. نسبت پایه برای کل اقتصاد کمتر از یک و برابر با 0/93 می‌باشد.

جدول شماره 3- بررسی نسبت‌های اقتصاد پایه برای مناطق شهری کل کشور

نسبت پایه / نام استان	کل اقتصاد	بخش کشاورزی	بخش صنعت	بخش خدمات	بخش فعالیت‌های نامشخص و اظهار نشده
آذربایجان شرقی	۲.۴۳	۰.۰۰	۱.۲۱	۰.۰۰	۵.۸۶
آذربایجان غربی	۱.۲۰	۵.۷۴	۳.۲۰	۱.۹۵	۰.۰۰
اردبیل	۰.۶۵	۱۰.۱۰	۳.۶۶	۱.۵۹	۰.۰۰
اصفهان	۱.۱۱	۷.۵۱	۱.۱۵	۰.۰۰	۰.۰۰
ایلام	۰.۶۲	۱۰.۸۵	۳.۴۸	۱.۶۱	۰.۰۰
بوشهر	۰.۸۷	۱۷.۶۶	۳.۱۷	۱.۵۹	۰.۰۰
تهران	۰.۷۷	۰.۰۰	۲.۵۱	۱.۸۶	۱۵.۶۵
چهارمحال و بختیاری	۱.۰۸	۵.۶۱	۲.۲۸	۲.۶۱	۰.۰۰
خراسان جنوبی	۱.۰۹	۳.۹۱	۲۹.۳۶	۱.۴۱	۰.۰۰

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

خراسان رضوی	۰.۹۳	۹.۱۰	۳.۸۳	۱.۵۹	۰.۰۰
خراسان شمالی	۱.۳۳	۴.۱۴	۲.۵۷	۲.۷۱	۰.۰۰
خوزستان	۱.۷۵	۳۶.۴۹	۴.۶۵	۱.۵۰	۱۰.۹۹
زنجان	۱.۱۹	۷.۲۷	۱.۸۵	۳.۱۱	۰.۰۰
سمنان	۱.۴۱	۴.۹۳	۱۱.۰۰	۱.۴۲	۰.۰۰
سیستان و بلوچستان	۰.۵۸	۳۹.۵۴	۳.۷۴	۱.۵۳	۱۹.۱۶
فارس	۱.۰۲	۶.۲۷	۳.۰۲	۱.۹۶	۰.۰۰
قزوین	۱.۷۷	۵.۱۰	۱.۲۴	۰.۰۰	۰.۰۰
قم	۰.۸۰	۰.۰۰	۱.۳۲	۴.۱۲	۰.۰۰
کردستان	۰.۶۲	۰.۰۰	۳.۴۰	۱.۴۲	۰.۰۰
کرمان	۰.۸۳	۵.۷۰	۲.۸۴	۲.۱۱	۰.۰۰
کرمانشاه	۰.۳۱	۰.۰۰	۴.۶۶	۱.۲۷	۰.۰۰
کهگیلویه و بویراحمد	۰.۵۸	۰.۰۰	۲.۷۱	۱.۵۹	۰.۰۰
گلستان	۱.۵۲	۳.۶۸	۲.۸۴	۲.۶۶	۰.۰۰
گیلان	۰.۸۲	۵۹.۵۸	۳۰.۸۳	۱.۰۵	۰.۰۰
لرستان	۱.۴۰	۰.۰۰	۲.۳۱	۱.۷۶	۰.۰۰
مازندران	۰.۵۹	۹.۴۶	۳.۹۱	۱.۵۷	۰.۰۰
مرکزی	۱.۳۷	۷.۰۲	۱.۵۵	۷.۲۱	۱۳.۴۲
هرمزگان	۱.۱۰	۱۳.۸۴	۲۱.۰۹	۱.۲۲	۱۷.۰۵
همدان	۰.۷۷	۷.۷۵	۳.۵۶	۱.۶۹	۰.۰۰
یزد	۱.۰۱	۹.۷۴	۱.۱۷	۲۳.۸۸	۰.۰۰
دامنه حداقل و حداکثر	۲.۱۲	۵۵.۶۷	۲۸.۲۱	۲۲.۶۶	۱۳.۳

مأخذ: محاسبات نگارنده

همچنین از بررسی نسبت‌های پایه در مناطق شهری استان خراسان رضوی می‌توان دریافت که:

1- بالاترین نسبت اقتصاد پایه برای کل اقتصاد در میان شهرهای بالای 10 هزار نفر استان مربوط به شهرهای بجستان (4/64)، سرخس (2/78)، فیض‌آباد و چناران می‌باشد. در واقع تنها این شهرها دارای نسبت‌های بالای یک می‌باشند و نسبت پایه سایر شهرها زیر یک می‌باشد.

2- در بخش کشاورزی بالاترین نسبت پایه مربوط به شهرهای سرخس، بجستان، فریمان و نیشابور به ترتیب با 9/04، 8/04، 6/79 و 4/36 و پایین‌ترین نسبت پایه مربوط به شهرهای مشهد، تایباد و درگز می‌باشد.

3- در بخش صنعت بالاترین نسبت پایه مربوط به شهرهای نیشابور (41/75)، گناباد (26/12) و قوچان (17/52) می‌باشد و پایین‌ترین نسبت پایه مربوط به شهرهای کاشمر، مشهد، تایباد و درگز است.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

4- در بخش خدمات در تمامی شهرهای استان نسبت‌های پایه کمتر از 0/5 می‌باشد. بالاترین نسبت پایه مربوط به شهرهایی چون نیشابور و کاشمر بوده و پایین‌ترین نسبت پایه مربوط به شهر درگز است.

5- در بخش مربوط به فعالیت‌های نامشخص و اظهارنشده، نسبت‌های پایه برای شهرهایی چون فریمان، چناران، سرخس و نیشابور به ترتیب برابر با 25/71، 16/97، 14/93 و 13/63 می‌باشد. بالا بودن این نسبت در شهرهای فوق حکایت از نقش مهم فعالیت‌های بخش‌های غیررسمی و غیرقانونی در شاکله اقتصاد این شهرها دارد که این امر برای اقتصاد این شهرها و کلیت ساختار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آنها چندان مناسب نیست.

6- بخش فعالیت‌های نامشخص و اظهارنشده، در نزدیک به یک پنجم (20 درصد) از مناطق شهری کل کشور به عنوان فعالیتی پایه‌ای شناسایی شده است، در حالیکه این بخش در نزدیک به نیمی (47 درصد) از شهرهای بالای 10 هزار نفر استان فعالیتی پایه‌ای محسوب می‌شده است. این امر نشانگر آن است که بخش مربوط به فعالیت‌های غیررسمی از جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد شهرهای استان برخوردار است.

جدول شماره 4- بررسی نسبت‌های اقتصاد پایه برای مناطق شهری استان خراسان رضوی

نسبت پایه / نام شهر	کل اقتصاد	بخش کشاورزی	بخش صنعت	بخش خدمات	بخش فعالیت‌های نامشخص و اظهارنشده	ضریب اقتصاد پایه برای کل بخش‌ها	برآورد اشتغال صادراتی شهر
بجستان	۴.۶۴	۸.۰۴	۱۱.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۵.۶۴	۲۶۶
بردسکن	۰.۱۴	۰.۹۶	۰.۸۸	۰.۲۱	۰.۰۰	۱.۱۴	۷۴۹
تایباد	۰.۱۱	۰.۷۰	۰.۵۰	۰.۱۷	۰.۰۰	۱.۱۱	۸۶۹
تربت جام	۰.۱۳	۱.۳۹	۰.۶۴	۰.۱۹	۳.۸۹	۱.۱۳	۱۲۱۵
تربت حیدریه	۰.۱۵	۱.۷۲	۰.۹۱	۰.۲۱	۰.۰۰	۱.۱۵	۲۹۶۷
چناران	۱.۲۸	۲.۸۸	۲.۶۷	۰.۰۰	۱۶.۹۷	۲.۲۸	۲۲۱۵
خواف	۰.۱۷	۰.۰۰	۰.۷۳	۰.۲۲	۰.۰۰	۱.۱۷	۴۱۸
درگز	۰.۰۸	۰.۷۱	۰.۵۰	۰.۱۳	۱.۰۱	۱.۰۸	۱۲۹۲
سرخس	۲.۷۸	۹.۰۴	۵.۵۰	۰.۰۰	۱۴.۹۳	۳.۷۸	۴۸۸
فریمان	۰.۹۷	۶.۷۹	۱.۱۹	۰.۰۰	۲۵.۷۱	۱.۹۷	۸۷۳
قوچان	۰.۳۴	۳.۰۰	۱۷.۵۲	۰.۳۹	۰.۰۰	۱.۳۴	۲۴۱۷
کاشمر	۰.۳۶	۲.۷۳	۰.۰۰	۰.۴۱	۰.۰۰	۱.۳۶	۲۶۵۰
گناباد	۰.۳۱	۳.۳۰	۲۶.۱۲	۰.۳۸	۳.۵۹	۱.۳۱	۱۱۵۷
مشهد	۰.۰۰	۰.۱۴	۰.۰۱	۰.۰۰	۰.۱۲	۱.۰۰	۱۲۷۰۳
نیشابور	۰.۴۵	۴.۳۶	۴۱.۷۵	۰.۵۳	۱۳.۶۳	۱.۴۵	۱۶۹۵
سبزوار	۰.۲۲	۳.۲۷	۱.۲۳	۰.۲۸	۰.۰۰	۱.۲۲	۲۹۵۵
فیض آباد	۱.۵۲	۱.۵۲	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۲.۵۲	۱۵۸۶
دامنه حداقل و حداکثر	۴.۵۶	۸.۹	۴۱.۷۴	۰.۲۸	۲۵.۵۹	----------	----------

مأخذ: محاسبات نگارنده

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

تحلیل نابرابری اشتغال

پس از بررسی مزیت‌های نسبی، در جهت تحلیل بهتر اشتغال در استان خراسان رضوی و مقایسه آن با نواحی شهری کشور، به تحلیل میزان نابرابری اشتغال در آنها پرداخته شد. برای تحلیل سطح نابرابری اشتغال و روند آن از شاخص‌های نابرابری ویلیامسون و ضریب تغییرات (حکمت‌نیا، 1385: 261) استفاده شد. آمارهای مورد نیاز در جهت این تحلیل از سرشماری‌های عمومی سال‌های 75 و 85 استخراج گردیدند. رابطهٔ شماره 9 نشانگر شاخص نابرابری ویلیامسون می‌باشد. مقادیر بدست آمده ناشی از این رابطهٔ، مابین صفر و یک متغیر می‌باشد که هرچه قدر عدد بدست آمده در طول زمان به طرف صفر گرایش یابد، نشان دهنده کاهش نابرابری‌های اشتغال یا درآمد در سطوح منطقه‌ای است. در رابطهٔ ذیل n برابر با تعداد مناطق، Xi نشان دهنده اشتغال در منطقهٔ i، Xn نشان دهنده اشتغال در کل کشور، Pi نشان دهنده جمعیت در منطقه i و N بیانگر جمعیت در کل کشور می‌باشد.

$$V_W = \sqrt{\sum_{i=1}^{n}(X_i - X_n)^2.(P_i/N)} / X_n \qquad (9)$$

نظر به اینکه استفاده از یک شاخص شاید نتواند به درستی میزان کاهش یا افزایش نابرابری را مورد ارزیابی قرار دهد، در این تحقیق از شاخص دیگری تحت عنوان شاخص ضریب تغییرات نیز استفاده گردید. مقدار بالای CV نشان دهنده نابرابری بیشتر در توزیع شاخص‌ها در طول زمان در بین مناطق می‌باشد.

$$CV = \sqrt{\{\sum_{i=1}^{n}(X_i - \overline{X})^2 / n.}\Big/ \sum_{i=1}^{n} X_i \qquad (10)$$

بررسی شاخص نابرابری ویلیامسون برای مناطق شهری کل کشور طی سال‌های 75 و 85 حاکی از آن است که اولاً مقدار کلی نابرابری در میان مناطق شهری کل کشور بسیار شدید می‌باشد. چرا که مقدار به دست آمده در هر دو دوره از صفر فاصله بسیاری داشته و به یک بسیار نزدیک بوده است. ثانیاً روند نابرابری‌ها در بین دو دهه نه تنها کاهش نیافته است، بلکه روند نابرابری بیشتر نیز شده است، به‌طوریکه از رقم 0/901 در سال 1375 به رقم 0/905 در سال 1385 رسیده است. استفاده از شاخص ضریب تغییرات نیز ادعای فوق را به اثبات می‌رساند. چرا که مقدار این شاخص از 1/37 در سال 1375 به 1/50 در سال 1385 افزایش یافته است.

بررسی روند نابرابری‌ها در مناطق شهری خراسان رضوی با استفاده از هر دو شاخص ویلیامسون و ضریب تغییرات نیز گویای افزایش روند نابرابری‌ها طی دو دهه 75 و 85 می‌باشد. مقادیر شاخص ویلیامسون برای دو دهه مذکور به ترتیب برابر با 0/625 و 0/651 می‌باشد که نشان دهنده افزایش نابرابری سال 85 نسبت به سال 75 می‌باشد. نکته شایان توجه این است که هر چند نابرابری در مناطق شهری خراسان رضوی نیز همانند مناطق شهری کل کشور افزایش یافته است، اما میزان کلی نابرابری در استان نسبت به کل کشور بسیار پایین‌تر می‌باشد و نسبت به عدد یک که نشان دهنده حداکثر نابرابری است، فاصله زیادی دارد. بررسی‌های حاصل از شاخص ضریب تغییرات نیز همانند

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

شاخص ویلیامسون افزایش نابرابری در مناطق شهری استان را نشان می‌دهد. به‌طوریکه مقدار ضریب تغییر از 1/60 در سال 1375 به 2/07 در سال 1385 رسیده است.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این تحقیق، تحلیل تطبیقی مزیت‌های نسبی اشتغال میان مناطق شهری کل کشور و نواحی شهری استان خراسان رضوی بوده است. یافته‌های حاصل از تحقیق حاکی از این هستند که:

1) در گروه‌های اصلی فعالیت، هم در نقاط شهری کشور و هم در شهرهای خراسان رضوی، بخش کشاورزی بیشترین فراوانی را به عنوان بخش پایه و برخوردار از مزیت نسبی به خود اختصاص داده است. برای شهرهای خراسان رضوی این فراوانی نسبت به کل کشور چشم‌گیرتر می‌باشد، به گونه‌ای‌که تقریباً در 82 درصد از شهرهای خراسان رضوی، بخش کشاورزی جزء فعالیت‌های پایه‌ای بوده است، در حالی‌که این نسبت برای نقاط شهری کل کشور 70 درصد می‌باشد. بی شک قرار گیری بخش عمده‌ای از شهرهای ایران در نواحی پایکوهی و پیرامون زمین‌های کشاورزی حاصلخیز و پیشینه روستایی آنها در این امر بی‌تأثیر نمی‌باشد. از سوی دیگر شاید بتوان دلیل دیگر این امر را در شکل نگرفتن فعالیت‌های صنعتی و خدماتی مولد و اشتغال‌زا در نواحی شهری دانست. همچنین تجاری شدن بخش عمده‌ای از تولیدات کشاورزی به ویژه در نواحی پیراشهری در افزایش تعداد شاغلان بخش کشاورزی تأثیرگذار می‌باشد.

2) بررسی‌ها نشان می‌دهد که بخش صنعت در 23/5 درصد از شهرهای استان خراسان رضوی جزء فعالیت‌های پایه‌ای بوده است، در حالی‌که این نسبت برای نقاط شهری کل کشور 36/7 درصد می‌باشد و این بدان معنی است که فعالیت‌های بخش صنعت در شهرهای استان از رونق و اهمیت چندانی برخوردار نیستند. با توجه به توان اشتغال‌زایی مناسب‌تر و پایدارتر بخش صنعت نسبت به سایر بخش‌ها، ضروری است در جهت توسعه پایدار شهری به ویژه در حوزه اقتصاد شهری، نسبت به شناسایی توان‌های بالقوه مناطق شهری در حوزه صنعت و تشویق سرمایه‌گذاری در آنها تمهیدات لازم و عاجل صورت گیرد.

3) در نقاط شهری کل کشور نسبت فعالیت‌های پایه در بخش خدمات 50 درصد بوده است، به عبارت بهتر در 50 درصد نقاط شهری کشور بخش خدمات و زیربخش‌های آن جزء فعالیت‌های برخوردار از مزیت نسبی و پایه‌ای بوده‌اند. در حالیکه این نسبت برای شهرهای استان خراسان برابر با 64/7 درصد بوده است که نشان دهنده غلبه فعالیت‌های خدماتی در شهرهای استان است.

4) بخش فعالیت‌های نامشخص و اظهار نشده نیز تقریباً در 41 درصد شهرهای استان خراسان رضوی جزء فعالیت‌های پایه‌ای بوده است، در حالی‌که این نسبت برای نقاط شهری کل کشور برابر با 20 درصد بوده است. غلبه

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

فعالیت‌های این گروه در یک منطقه شهری، نشان از عدم توانایی بخش‌های رسمی فعالیت برای جذب شاغلان می‌باشد که باعث می‌گردد این شاغلان به ناچار جذب فعالیت‌های نامشخص، غیررسمی و حتی بزهکارانه و غیرقانونی می‌شوند.

5) در بخش شیلات، همانگونه که انتظار می‌رفت، عمدتاً استان‌های نوار ساحلی شمالی و جنوبی کشور (بوشهر، خوزستان، سیستان و بلوچستان، گلستان، گیلان، مازندران و هرمزگان) از موقعیت پایه‌ای برخوردار هستند که در این میان استان‌های بوشهر و سیستان و بلوچستان به ترتیب با ضرایب 12/9 و 6/8 دارای موقعیت ممتاز و چشمگیرتری نسبت به سایرین هستند.

6) به واسطه نقش قاطع دولت در نظام اقتصادی کشور و به ویژه اقتصاد شهرها، در سطح نقاط شهری کل کشور، زیربخش‌هایی که عمدتاً به نوعی با فعالیت‌های عمومی و به خصوص دولتی ارتباط دارند، به عنوان بخش‌های دارای مزیت نسبی و پایه‌ای بوده‌اند. بخش‌هایی چون تأمین آب، برق و گاز، اداره امور عمومی، دفاع و ...، آموزش و بهداشت جزء زیربخش‌هایی بودند که در بیشتر نقاط شهری از مزیت نسبی برخوردار بودند. زیربخش تأمین آب، برق و گاز در 54 درصد، زیربخش اداره امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی در 37 درصد، زیربخش آموزش در 66/7 درصد و زیربخش بهداشت و مددکاری اجتماعی در 47 درصد نقاط شهری کل کشور به عنوان فعالیت‌های پایه‌ای بوده‌اند. این نکته در مورد نقاط شهری استان خراسان رضوی نیز هرچند با کمی ضعف قابل مشاهده است. نسبت‌های فوق‌الذکر برای نقاط شهری استان به ترتیب عبارتند از 17/4، 53، 82/4 و 42/2 درصد می‌باشد. لازم به ذکر است که اگر اقتصاد مرجع برای شهرهای خراسان رضوی، نقاط شهری کل کشور مبنا قرار می‌گرفت، نتایج بسیار شبیه به نتایج کل کشور می‌شد. به عنوان نمونه در زیربخش بهداشت، زمانی که اقتصاد مرجع خراسان رضوی است، تنها 7 شهر دارای مزیت نسبی هستند، اما زمانی که اقتصاد مرجع کل کشور است، 14 شهر از مزیت نسبی برخوردار می‌شوند.

7) به واسطه افزایش قیمت نفت در سال‌های 85-86 و رونق فعالیت‌های عمرانی و ساخت و ساز، زیربخش ساختمان در بیش از 75 درصد نقاط شهری کل کشور به عنوان بخش پایه‌ای شناسایی شده است. این نسبت برای شهرهای استان خراسان رضوی حدود 42 درصد بوده است. اینکه چرا بخش ساختمان در نقاط شهری خراسان رضوی نسبت به کل کشور از موقعیت پایین‌تری برخوردار بوده است، به نظر می‌رسد نیاز به تحلیل جامع‌تری خواهد داشت، درخصوص اینکه آیا در شهرهای استان کمبود واحدهای مسکونی کمتر از نواحی شهری کل کشور است؟ آیا تسهیلات ارائه شده در استان نسبت به کشور کمتر بوده است؟ و یا اینکه شاید تعداد شاغلان بخش ساختمان در استان به واسطه رسمی نبودن کمتر برآورد شده‌اند؟ و ...

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

8) زیربخش استخراج معدن در 35 درصد شهرهای استان دارای مزیت نسبی بوده و به عنوان فعالیتی پایه‌ای شناسایی شده است، در حالیکه این زیربخش تنها در 23 درصد نقاط شهری کل کشور از مزیت نسبی برخوردار بوده است. این امر نشانگر آن است که با سرمایه‌گذاری در این زیربخش در شهرهای استان، می‌توان زمینه مناسبی را برای اشتغال و افزایش درآمد شهروندان فراهم ساخت.

9) زیربخش صنعتـ ساخت تنها در 11 درصد نقاط شهری استان خراسان رضوی به عنوان فعالیتی پایه‌ای شناسایی شده است، در حالیکه این نسبت برای نقاط شهری کل کشور برابر با 27 درصد می‌باشد.

10) همانگونه که پیشتر نیز عنوان شد در زیربخش‌های مربوط به خدمات، زیربخش‌هایی چون آموزش، بهداشت و مددکاری اجتماعی، اداره امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی، حمل و نقل و انبارداری و عمده فروشی، خرده فروشی ... هم در نقاط شهری کشور و هم در نقاط شهری خراسان رضوی دارای بیشترین فراوانی ضرایب پایه‌ای بوده‌اند. در نقاط شهری کل کشور، تفاوت میان پایین‌ترین و بالاترین ضرایب پایه در این زیربخش‌ها بسیار ناچیز می‌باشد. مثلاً در بخش آموزش بالاترین و پایین‌ترین ضرایب برابر با 1/9 و 1/1، در بخش بهداشت 1/5 و 1/1، در بخش عمده فروشی ... 1/2 و 1/1 می‌باشند. در حالیکه در نقاط شهری خراسان رضوی این تفاوت‌ها چشمگیرتر می‌باشد. به عنوان نمونه در بخش آموزش بالاترین ضریب مربوط به شهر خواف با 2/4 و کمترین ضریب مربوط به شهرهای سرخس و تربت حیدریه با 1/2 می‌باشد. در بخش بهداشت بالاترین مربوط به بجستان با 2/1 و کمترین مربوط به شهرهای تربت‌حیدریه و خواف با 1/1 می‌باشد.

11) در زیربخش هتل و رستوران استان‌های برخوردار از مزیت نسبی شامل استان‌های اردبیل (1/4)، تهران (1/1)، خراسان رضوی (1/4)، زنجان (1/1)، قم (1/1)، گیلان (1/3)، مازندران (1/2) و هرمزگان (1/2) می‌باشند. نکته قابل توجه در این میان این است که استان‌هایی چون آذربایجان شرقی، اصفهان و فارس که جزء استان‌های توریست‌پذیر ایران هستند، در این لیست جایگاهی ندارند. شاید بتوان گفت که غلبه فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی در این استان‌ها، باعث گردیده است که بخش هتل و رستوران در برابر آن بخش‌ها از مزیت‌های چندانی برخوردار نشود و یا شاید دلیل این امر این باشد که بخشی از شاغلان مرتبط با بخش توریسم، در لیست سایر بخش‌های خدماتی قرار گرفته‌اند.

12) مقایسه ضرایب اقتصاد پایه بخش‌های اصلی اقتصاد میان کلیهٔ نقاط شهری خراسان رضوی و میانگین نقاط شهری کشور حاکی از این است که به جز بخش کشاورزی، در سایر بخش‌ها ضرایب استان و کشور تقریباً مشابه می‌باشد. در بخش کشاورزی ضریب کشوری برابر با 1/32 و ضریب استانی برابر با 1/19 می‌باشد. در بخش صنعت

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

به ترتیب 0/97 و 1/03، در بخش خدمات 1/00 و 0/98 و در بخش فعالیت‌های نامشخص و اظهارنشده برابر با 0/77 و 0/76 می‌باشد.

13) بررسی نسبت‌های پایه برای کل نقاط شهری خراسان رضوی نشان می‌دهد که این نسبت‌ها در کل اقتصاد، بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات در مقایسه با میانگین نقاط شهری کل کشور پایین‌تر می‌باشد. مقادیر این نسبت‌ها به ترتیب برای نقاط شهری استان برابر با 0/93، 9/10، 3/83 و 1/59 می‌باشد، در حالی‌که میانگین مقادیر آنها برای نقاط شهری کل کشور به ترتیب برابر با 1/05، 9/70، 5/47 و 2/60 می‌باشد[9].

14) پایین بودن نسبت پایه برای بخش خدمات و زیربخش‌های آن در اقتصاد نقاط شهری بالای 10 هزار نفر استان (متوسط نسبت پایه برای شهرهای بالای 10 هزار نفر برابر با 0.28 می‌باشد)، حاکی از این است که سرمایه‌گذاری و توسعه این بخش در شهرهای استان نمی‌تواند تأثیر چشمگیری بر توسعه اشتغال در نواحی شهری داشته باشد. در مقابل متأسفانه نسبت پایه برای فعالیت‌های نامشخص و اظهارنشده برابر با 9/98، برای بخش صنعت برابر با 7/41 و برای بخش کشاورزی 3/16 می‌باشد.

15) در تحلیل نابرابری اشتغال بر اساس شاخص ویلیامسون در نقاط شهری مشخص گردید که اولاً مقدار کلی نابرابری در میان مناطق شهری کل کشور بسیار شدید می‌باشد. ثانیاً روند نابرابری‌ها در بین دو دهه نه تنها کاهش نیافته است، بلکه روند نابرابری بیشتر نیز شده است، به‌طوریکه از رقم 0/901 در سال 1375 به رقم 0/905 در سال 1385 رسیده است. استفاده از شاخص ضریب تغییرات نیز ادعای فوق را به اثبات می‌رساند. چرا که مقدار این شاخص از 1/37 در سال 1375 به 1/50 در سال 1385 افزایش یافته است.

16) بررسی روند نابرابری‌ها در مناطق شهری خراسان رضوی با استفاده از هر دو شاخص ویلیامسون و ضریب تغییرات نیز گویای افزایش روند نابرابری‌ها طی دو دهه 75 و 85 می‌باشد. مقادیر شاخص ویلیامسون برای دو دهه مذکور به ترتیب برابر با 0/625 و 0/651 می‌باشد که نشان دهنده افزایش نابرابری سال 85 نسبت به سال 75 می‌باشد. بررسی‌های حاصل از شاخص ضریب تغییرات نیز همانند شاخص ویلیامسون افزایش نابرابری در مناطق شهری استان را نشان می‌دهد. بطوریکه مقدار ضریب تغییر از 1/60 در سال 1375 به 2/07 در سال 1385 رسیده است.

9 - ارقام مربوط به بند 12 مربوط به نقاط شهری کل استان خراسان رضوی است، در حالیکه ارقام مربوط به بند 13 مربوط به شهرهای بالای 10 هزار نفر استان می‌باشد.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

پیشنهادها

1- با توجه به این‌که بخش عمده‌ای از نقاط شهری کشور و استان خراسان رضوی در بخش کشاورزی دارای مزیت نسبی بوده‌اند، ضرورت توجه جدی به ایجاد صنایع تبدیلی کشاورزی در پیرامون شهرها و یا مناطقی که در بخش‌های کشاورزی پویاتر و از مزیت نسبی بالاتری برخوردار هستند، می‌تواند راهکاری مناسب برای کاهش بیکاری و به خصوص سکونتگاه‌های در آن شهرها باشد.

2- سرمایه‌گذاری در بخش معدن و صنایع وابسته به آن در نقاط شهری خراسان رضوی، با توجه به اینکه این بخش در 35 درصد شهرهای استان دارای مزیت نسبی است، می‌تواند راهکاری مناسب برای ایجاد اشتغال و کاهش نابرابری در نقاط شهری استان باشد.

3- با توجه به قابلیت‌های بالای بخش گردشگری در ایجاد اشتغال با کمترین سرمایه‌گذاری و به ویژه ایجاد اشتغال برای گروه‌های دارای مهارت پایین، توجه ویژه از سوی مدیریت شهری به این بخش می‌تواند زمینه مناسبی را برای کاهش نابرابری و اشتغال‌زایی در شهرها فراهم می‌کند. استان‌هایی چون اردبیل، تهران، خراسان رضوی، زنجان، قم، گیلان، مازندران، هرمزگان، آذربایجان شرقی، اصفهان و فارس زمینه مناسبی برای اشتغال‌زایی در بخش گردشگری دارند.

4- افزایش ضرایب نابرابری اشتغال در میان نقاط شهری کل کشور و حتی بین نقاط شهری خراسان رضوی حکایت از آن دارد که سیاست‌هایی مربوط به آمایش سرزمین و متعادل‌سازی رابطه جمعیت، فضا و فعالیت چندان موفق نبوده‌اند و هنوز گرایش به سمت پلورازیسیون در پایتخت و مراکز منطقه‌ای بر سیاست‌گذاری‌ها غلبه دارد. بر این اساس و برای جلوگیری از افزایش شتاب نابرابری، بایستی سیاست توسعه شهرهای میانی و شهرهای در حال توسعه و توجه به باز توزیع مجدد و عادلانه سرمایه‌ها و امکانات در دستور کار نهادهای اجرایی و قانون‌گذار قرار گیرد.

5- بخش ساختمان هر چند دارای توان اشتغال‌زایی بالایی می‌باشد، اما تکیهٔ بیش از حد بر روی این بخش جهت ایجاد اشتغال، می‌تواند در دراز مدت اساس اقتصادی شهر را با مشکل مواجه سازد. چرا که در کشوری مانند ایران که کلیه سیاست‌گذاری‌های آن بر درآمدهای نفتی وابسته است، ایجاد یک شوک نفتی می‌تواند رونق فعالیت‌های ساختمانی را با چالش مواجه سازد و در نتیجه بخش عمده‌ای از نیروی کار شهر را با مشکل بیکاری و تبعات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی آن روبرو سازد.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

منابع

1) ایزارد، والتر (1377)، «***روش‌های تحلیل منطقه‌ای***»، ترجمه داریوش کاظم‌زاده صمیمی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، جلد اول، تهران.

2) پورزندی، محمد حسین (1388)، «یادداشت مدیرمسؤول»، ***فصلنامه اقتصاد شهر***، سال اول، شماره اول.

3) تودارو، مایکل (1370)، «***توسعه اقتصادی در کشورهای جهان سوم***»، ترجمه غلامعلی فرجادی، انتشارت سازمان برنامه و بودجه، تهران.

4) حکمت‌نیا، حسن؛ موسوی، میرنجف (1385)، «***کاربرد مدل در جغرافیا با تاکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای***»، انتشارات علم نوین، چاپ اول، یزد.

5) رنه‌شورت، جان (1381)، «***نظم شهری (درآمدی بر شهرها، فرهنگ و قدرت)***»، ترجمه اسماعیل چاووشی، انتشارات دانشگاه تربیت معلم، چاپ اول، تهران.

6) سبحانی، حسن؛ درویشی، باقر (1384)، «بررسی مزیت‌های نسبی و تحلیل ساختاری اشتغال در استان ایلام»، ***فصلنامه تحقیقات اقتصادی***، شماره 74، صص 159-187.

7) صباغ کرمانی، مجید (1377)، «**تمرکز نسبی اشتغال در فعالیت‌های صنعتی استان‌های کشور (کاربرد مدل اقتصاد پایه)**»، ***پژوهشنامه بازرگانی***، سال پنجم، شماره 17، صص 63-85.

8) صباغ کرمانی، مجید (1380)، «***اقتصاد منطقه‌ای (تئوری‌ها و مدل‌ها)***»، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.

9) صفایی، علی (1382)، «اقتصاد شهری پویا؛ مدیریت شهری کارا»، ***ماهنامه شهرداری‌ها***، سال پنجم، شماره 53، صص 18-21.

10) عابدین‌درکوش، سعید (1386)، «***درآمدی بر اقتصادی شهری***»، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ هشتم، تهران.

11) فیلد، برایان و همکاران (1376)، «***فنون پیش‌بینی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای***»، ترجمه فاطمه تقی زاده، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، چاپ اول، تهران.

12) موحد علی و مسعودی (1388)، «بررسی نقش شهرهای میانی در توسعه‌ی منطقه‌ای؛ مطالعه موردی شهر بروجرد»، ***مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای***، شماره 12.

13) هاشمی، سید مناف (1388)، «**یادداشت مدیر مسوول**»، ***فصلنامه اقتصاد شهر***، سال اول، شماره اول، صص 2.

14) Abrots, G. H., (1960); "**The equalization of return and regional economy"**, ***America Economic Review***, No 50, PP. 319-393.

15) Available at http://amar.sci.org.ir/

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

16) Gibson, L. J and M. R. Worden (1981); "**Estimating the Economic base Multiplier"**, ***Economic Geography***, Vol. 57.

17) Hinojosa. R and A.J Rios (1991); "**Constructing economic base model for developing countries: lessons from a case study in panama"**, ***International Regional Review***, Vol 14, No 2, pp. 149-162.

18) Norcliffe, G. B (1983); "**Using Location Quotient to Estimate the Economic Base and Trade Flows"**, ***Regional Studies***, Vol. 14, PP 161-168.

19) North, D.C., (1955); "**Location theory and regional economic growth", *journal of political Economy***, No 58, PP. 243-258.

20) Rupasingha .A et al (2009); "**Tools for Understanding Economic Change in Communities: Economic Base Analysis and Shift-Share Analysis"**, Cooperative Extension Service, College of Agricultural, Consumer and Environment Science, New Mexico State University.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]